

Creativity Context and Factors in the Teaching of Creative Teachers in Kurdistan Rural Schools

N. Azizi^{1*}, K. Bolandhematan², P. Saedi³

1. Professor of Education, Department of Education, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj -Iran
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj -Iran
3. MA in Educational Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

زمینه‌ها و عوامل خلاقیت در تدریس معلمان خلاق در مدارس ابتدایی و متوسطه مناطق روستایی

نعمت‌اله عزیزی^{۱*}، کیوان بلندهمتان^۲، پیمان ساعدی^۳

۱. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده ی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج- ایران
۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج- ایران
۳. کارشناسی ارشد رشته ی علوم تربیتی دانشگاه کردستان، سنندج- ایران

Abstract

Aims: the purpose of this paper is to study the nature and grounds of creativity in the teaching of creative teachers in Kurdistan rural areas.

Methods: As a qualitative research, the descriptive phenomenological strategy was applied. Participants include eight teachers working in rural areas and they are targeted based on three criteria: having brilliant performance and achievement (successful educational career), being awarded in National Excellent Teaching Festival, and qualifying as a "CreativeTeacher" according to the assessment of the school principal, colleagues and students. A Semi-structured interview was used to identify the context and factors affecting the creativity of teachers. Data was analyzed based on the Colaizzi's method of data analysis.

Conclusion: The research finding indicate that creativity in the teaching of rural teachers could be influenced by three main factors including individual factors (experience and education, interest and motivation, conscientiousness), cultural factors (considering cultural differences in different regions, cultural limitations of less developed areas), and administrative factors (structure, school principal and colleagues).

Keywords: Creativity, Creative Teachers, Creative Teaching, Teaching Methods, Rural Areas.

چکیده

اهداف: هدف این پژوهش مطالعه زمینه‌ها و عوامل خلاقیت در تدریس معلمان خلاق در مناطق روستایی استان کردستان بود. **روش:** در این پژوهش از رویکرد کیفی، استراتژی پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. مشارکت کنندگان شامل ۸ نفر از معلمان شاغل به تدریس در مدارس ابتدایی و متوسطه مناطق روستایی بودند که به صورت هدفمند و براساس سه معیار داشتن عملکرد و نتایج کاری درخشان (کارنامه آموزشی موفق)، کسب مقام در الگوهای برتر تدریس و احراز شایستگی حرفه‌ای و کسب عنوان معلم خلاق با توجه به ارزیابی مدیر مدرسه، همکاران و دانش آموزان، انتخاب گردیدند. جهت شناسایی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر خلاقیت معلمان مورد مطالعه، از مصاحبه نیمه ساختمند بهره گرفته شد و برای تحلیل یافته‌ها نیز با عنایت نظری بودن نمونه‌ها، همزمان با انجام مصاحبه‌ها تحلیل و تفسیر آنها با پیروی از مراحل تحلیل داده کلایزی انجام گرفت. **نتایج:** نتایج پژوهش حاکی از آن بود که خلاقیت در تدریس معلمان روستایی را می‌توان متأثر از سه دسته از عوامل مشتمل بر عوامل فردی (تجربه و تحصیلات، علاقه و انگیزه، وجدان کاری) عوامل فرهنگی (توجه به تفاوت‌های فرهنگی مناطق مختلف، محدودیت‌های فرهنگی مناطق محروم) و عوامل اداری (ساختار، مدیر مدرسه و همکاران) دانست.

کلمات کلیدی: خلاقیت، معلمان خلاق، تدریس خلاق، روش تدریس، مناطق روستایی.

Accepted Date: 2019/06/14

Received Date: 2018/05/13

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۴

مقدمه

تدریس به عنوان یکی از حرفه‌های اثرگذار همواره بستر مهمی برای بروز و ظهور خلاقیت حرفه‌ای و فردی معلمان، دبیران و مدرسان علاقمند و بانگیزه بوده و هست. بی تردید خلاقیت در تدریس بویژه در شرایط بسیار محدودکننده می‌تواند به منزله یک پیشران بسیار اثرگذار در نیل به اهداف آموزشی و یادگیری عمل نماید. از این رو این قابلیت در کنار سایر صلاحیت‌ها و شایستگی‌های کلیدی، عامل مهمی در موفقیت حرفه‌ای تلقی می‌گردد (Henriksen and Mishra, 2013). به باور اسکات (Scott, 2015) نوآوری و خلاقیت از جمله شایستگی‌های بسیار مهم در یک جامعه مبتنی بر دانایی است. با این وصف، سؤال اساسی این است که آیا معلمان ما از شجاعت کافی برای نادیده گرفتن سیکل روتین آموزش برخوردارند و می‌توانند دانش آموزان را به تأمل و تفکر عمیقتر و خلاقه نسبت به مسائل جهت دهند یا خیر؟ تردیدی نیست که در شرایط نوین اقتصادی، نوآوری در پرتو تلاش هم‌افزایانه تیمهای پیشرو از نیروهای خلاق حاصل می‌گردد (Sawyer, 2006). به هر حال خلاقیت پدیده‌ای عمیقاً اجتماعی است و عمده‌ترین ایده‌های خلاقه از طریق حلقه‌های خلاقه و مبتنی بر همکاری پدید می‌آید. با این حال تعداد کمی از مدارس هستند که به دانش آموزان یاد می‌دهند تا به خلق ایده و دانش بپردازند. مک لولین و لی (McLoughlin and Lee, 2008) اعتقاد دارند که هدف غایی آموزش و یادگیری برانگیختن پتانسیلهای یادگیرندگان برای خلق و تولید ایده‌ها، مفاهیم و دانش است. برای نیل به این مقصود لازم است معلمان مجموعه تجارب یادگیری معنی‌داری را تدارک ببینند که از طریق آنها خلاقیت دانش‌آموزان شکوفا گردد (Robinson, 2006). در این میان معلمان می‌توانند با تشویق، شناسایی و تقویت خلاقیت یادگیرندگان، نقش مهمی ایفاء نمایند (Saavedra and Opfer, 2012, p. 17).

به هر حال علیرغم وجود انتقاداتی که بر نقش و کارکرد منفی مدارس و مربیان در کاهش قدرت خلاقیت دانش‌آموزان وجود دارد (Gibson, 2010)، اما هنوز از نظر بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تدریس خلاق و بکارگیری روش‌های آموزش نوین و مبتنی بر تفکر خلاق از ضروریات و از اساسی‌ترین ملزومات نظام‌های آموزشی هر کشوری محسوب می‌شود (Mohebi et al., 2013). از اینرو باور اسماعیل و همکارانش (Ismail, Desa, & Balakrishnan, 2018) خلاقیت در آموزش و پرورش همانند سواد یک مهارت اساسی زندگی است که نسل‌های آینده ما را برای بقا و رشد در قرن ۲۱ مهیا می‌سازد. برای نیل به این منظور در طراحی‌های آموزشی معلمان می‌بایست به ارتقای عنصر خلاقیت هم در معلمان و هم در دانش‌آموزان به طور ویژه توجه گردد. از نظر جان برجی (Cenberci, 2018) مهمترین موضوع سیستم آموزشی امروز، استفاده از خلاقیت است. به همین سبب رشد خلاقیت در افراد می‌بایست از زمان تولد آنها مورد حمایت قرار گیرد. معلمان خلاق کسانی هستند که هم از ویژگی‌های شخصیتی خلاق برخوردارند و هم در فرایندهای تفکر خلاق تبحر دارند که آن

برای طراحی راهبردهای آموزشی برای افزایش یادگیری و ایجاد انگیزه در دانش آموزان بهره می‌گیرند (Palaniappan, 2009). اینها افرادی هستند که فراتر از مرزهای تعیین شده حرکت کرده و بسیار ریسک‌پذیرند و خطرات را به جان می‌خرند (Rinkevich, 2011). معلمان خلاق هم در فرایند برنامه ریزی و هم در تدریس خود به روابط بالقوه روانی بین تخیل و تجربه شخصی / حرفه ای تأکید می‌کنند و ارزش زیادی برای کنجکاوی و ریسک‌پذیری، مالکیت و استقلال و توسعه ایده های تخیلی و غیر معمول در خود و در دانش‌آمورانشان قائل هستند (Cremin and Oliver, 2017). موریس، اسنل و رایت (Morris, Snell, & Wright, 2006) نیز نتیجه گرفتند که یک معلم خلاق از روش های تخیلی برای جالب، جذاب، هیجان انگیز و موثرتر ساختن یادگیری استفاده خواهند کرد. ریان و همکارانش ارتباط گرم و صمیمی همراه با درک و فهم، فعالیت‌های سازماندهی شده و برانگیختن و فعالیت تخیلی را از نشانه های تدریس مؤثر و خلاق می‌دانند (Cited from Ghasemifard et al, 2017). از نظر آنگراینی (Anggeraini, 2018) نیز تدریس بدون تعامل و ارتباط اثربخش، خلاق نخواهد بود.

از طرف دیگر در یک نظام اقتصادی مبتنی بر دانش و نوآوری از مدارس انتظار می‌رود در امر آموزش به جای تأکید بر تسلط دانش آموزان در مهارت‌ها و اطلاعات غیر ضروری و کم اهمیت، بر فهم عمیق تر آنها از مطالب درسی تأکید نمایند که مستلزم ایجاد تحول در سبک تدریس و رویه آموزش معلمان است. بر این اساس این انتظار که معلمان نیز باید از رویکردهای خلاقه در فرایندهای یاددهی-یادگیری بهره بگیرند، وجاهت و اعتبار می‌یابد. بنابراین اگر استمرار فعالیت‌های روتین آموزشی در کلاس‌های درس، انفعال دانش آموزان در این فرایند دور از انتظار نبوده و در نتیجه رشد و پیشرفت معلم و دانش آموزان در فرآیند یادگیری متوقف می‌گردد (Reilly, Lilly, Bramwell, and Kronish, 2011). جان دیویی (Dewey, 1916) بر این باور بود که شاید هنر خلاقیت اولین و مهم‌ترین بعد تدریس و یادگیری باشد. در آموزش پرورش فعال، نقش معلم تشنه کننده است نه سیراب کننده. معلم خلاق، ذهن دانش آموز را از تعادل و سکون و رضایت از وضع موجود خارج می‌کند تا خود فرد از طریق قانون و اصل تعادل جویی به تعادل دست یابد (Karimi, 1991 cited from Samkhanian, 2005: 381). به نظر ریلی و همکارانش (Reilly, Lilly, Bramwell, and Kronish, 2011) معلمان خلاق افرادی با سواد، پرانرژی با یک شیوه حمایت گرانه، روشن و بارز هستند. ویژگی قابل انتظار از چنین معلمانی، پیچیدگی و تنوع تدریس آنان است. آنها از امور معمولی زیادی برای ساده سازی زندگی کلاس و حفظ وقت برای یادگیری استفاده می‌کنند. در خلال زمان آموزش، تمایل دارند تا کنترل کلاس را از خودشان به دانش آموز انتقال دهند. با دریافت داده‌های حاصل ارزیابی‌های تکوینی از یادگیری دانش آموزان، روش و متدولوژی آموزش خود را تغییر می‌دهند. برای یادگیری دانش آموزان خود زمینه وسیعی از قبیل تکرار و تمرین، ارائه مثالها، ارائه علائم اضافی و روش‌های جایگزینی را جهت ادراک مسایل موضوع محور فراهم می‌کنند. در واقع معلمان خلاق کسانی هستند که شایستگی دارند و در

تداوم رشد خود می‌کوشند، قادرند که بطور انتزاعی و ادراکی استدلال نمایند، از مهارت‌های پیشرفته در تدریس بهره‌می‌گیرند و در رابطه با نقش خود بعنوان معلم انگیزه بالایی دارند (Glathorn and Fox, 2003).

سوژه‌هایی نظیر «خلاقیت در تدریس» و «معلمان خلاق» از ابعاد مختلف مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته است که به پاره‌ای از مرتبط‌ترین آنها با موضوع مطالعه حاضر، اشاره می‌شود. جان برجی (Cenberci, 2018) در ارزیابی گرایش به تفکر خلاق در میان معلمان آینده ریاضیات به اهمیت فراهم کردن محیطی مناسب برای توسعه سطوح تفکر خلاق معلمان، ضرورت اصلاح روشهای تدریس معلمان و تأکید بر گرایش تفکر خلاق دانش آموزان، آشنا ساختن معلمان آینده با اهمیت تفکر خلاق، کمک به آنان برای کسب مهارت در تفکر خلاق و کاهش محوریت برنامه درسی و توسعه فرصت‌هایی برای فکر کردن آنها اشاره می‌کند. گاس، سونمان و گریفیتس (Goss, Sonnemann, and Griffiths, 2017) در پژوهش خود دریافتند که معلمان خلاق همواره با فراهم کردن فضا و بستر مناسب تلاش می‌کنند که علاوه بر افزایش سطح انتظارات خود از دانش آموزان، ارتباط و تعامل خود را با دانش آموزان گسترش داده و با ایجاد رویه‌های اثربخش، دانش آموزان را برای مشارکت بیشتر و توان ریسک جویی بیشتر به چالش بکشند. به باور آنها هنگامی که با تدابیر و استراتژی‌های آموزشی معلمان خلاق، دانش آموزان در فعالیتهای آموزشی به صورت هدفمند درگیر شده و مشارکت داده می‌شوند، بیشتر و عمیقتر می‌آموزند و اهداف آموزشی فراتر از انتظار محقق می‌گردد. در همین ارتباط چی و همکارانش (Chee, Yahaya, Ibrahim, and Hasan, 2016) نیز در مطالعه ارتباط میان معلمان خلاق مالزی و خلاقیت آنها در تدریس دریافتند که تدریس خلاق پدیده‌ای است که می‌توان آن را با بهره‌گیری از برنامه‌های توسعه‌ای متنوع، بهبود بخشید. لاپینیین و دومسین (Lapeniene and Dumciene, 2014) در مطالعه دیدگاه ۲۶۱ معلم لیتوانیایی در خصوص مفهوم خلاقیت معلمان و عوامل مؤثر بر آن نتیجه گرفتند که خلاقیت معلمان متأثر از عواملی چون خودکارآمدی خلاقانه، انگیزه درونی سازی هدف برای عمل آموزشی و پداگوژیک، احساسات مثبت و بستر اجتماعی حمایتگر است.

چان و لیون (Chan and Yuen, 2014) در تحلیل دیدگاه معلمان هنگ‌کنگی در مورد افزایش خلاقیت، عوامل پیشران و بازدارنده از انجام رفتارهای خلاقه در تدریس نشان دادند که هم عوامل فردی مشتمل بر شخصیت معلمان، انگیزه، نگرش و هدفمندی رفتار آموزشی آنان و هم عوامل محیطی مشتمل بر مدرسه و محیط آن و همکاران و اطرافیان معلم از عوامل و موانع تدریس خلاق به شمار می‌آیند. چونگ و لئونگ (Cheung and Leung, 2014) نیز در بررسی ویژگی‌های شخصیتی معلم خلاق دریافتند که علاوه بر خوش‌رفتاری، صداقت، انگیزه بالا، نوگرایی، معلمین خلاق خواهان تغییر و تحول و کسب تجارب نو هستند و با ریسک‌جویی بالا از منحرف شدن از مسیر اصلی و ورود به حیطه‌های ناشناخته هیچ ترس و ابایی ندارند. هنریکسن و میشر (Henriksen and Mishra, 2013) در تحلیل

دیدگاه معلمان برنده جایزه ملی در بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، علاقمندی به تدریس، ارتباط دادن تدریس با دنیایی واقعی، ریسک فکری، ارزش‌های مشترک و ایجاد مجموعه ذهن‌های خلاق را به عنوان پنج روش کلیدی برای راهنمایی آموزش خلاق شناسایی کردند. پیش قدم و همکارانش (Pishghadam, Ghorbani Nejad and Shayesteh, 2012) در تحلیل ارتباط بین خلاقیت و موفقیت معلمان، وجود رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر را گزارش کرده‌اند. مورایس و آزویدو (Morais and Azevedo, 2011) در مطالعه دیدگاه و ادراک ۵۷۶ معلم در مدارس پرتغال نسبت به تلقی آنها از دانش آموز معلم خلاق، دریافتند که خلاقیت معلم اساساً با اشتیاق معلم در کلاس، استقلال عمل در دانش آموزان، ارتباط نزدیک و فردی معلم با دانش آموزان و توانایی علمی او مرتبط است. جبلی‌آده و سبحانی (Jebeliadeh and Sobhani, 2012) در ارزیابی تأثیر بکارگیری روش‌های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی دریافتند که آموزش خلاقیت به معلمان در میزان رشد خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر دارد. هورن و همکارانش (Horng, Hong, Chanlin, Chang, and Chu, 2005) در بررسی عوامل مؤثر بر تدریس خلاق و شناسایی استراتژی‌های اثربخش آموزشی مورد استفاده توسط سه نفر از معلمان برنده جایزه در زمینه یادگیری فعالیت‌های یکپارچه دریافتند که ویژگی‌های شخصیتی معلم، عوامل خانوادگی، تجارب مربوط به رشد و آموزش، باورهای مناسب در امر تدریس و جنبه‌های اداری سازمان مدرسه از عوامل مؤثر بر آموزش خلاقانه معلمان می‌باشند. بر پایه مطالعه ریجسکایند (Rejskind, 2000) هنگام تعامل معلمان با فراگیران چند زبانه و چند فرهنگی با پیشینه‌های متفاوت اقتصادی اجتماعی و دارای نیازهای مختلف آموزشی، می‌بایستی در دانش و عمل خود خلاق باشند. همچنین کیامانش (Kiamanesh, 1998) در ریشه‌یابی علل نامناسب و ضعیف بودن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی، از روش تدریس معلمان به عنوان یک عامل مهم یاد می‌کند. نتایج این مطالعه نشان داد که نبود جنبه‌های خلاقه و نوآورانه در روش تدریس معلمان ایرانی، استفاده آنها از کتاب به عنوان محور اصلی تدریس و جنبه توصیفی داشتن تدریس آنها از علل این ضعف عملکردی می‌باشند.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، معلمان موفق روستایی علاوه بر اینکه افراد اثربخشی هستند، افراد خلاق هستند که متناسب با موقعیت و امکانات محیط، از تکنیک‌ها و شیوه‌های تدریس خاصی استفاده می‌کنند. بهره‌گیری از چنین رویه‌های خلاقه امکان اثربخشی فعالیت‌های آموزشی آنها را فراهم می‌کند. از طرف دیگر شناسایی این معلمان و اطلاع از نوآوری‌های آموزشی آنها به بهبود شیوه تدریس معلمان کم تجربه و منفعل و همچنین به بهبود برنامه آموزش معلمان در مراکز دانشگاهی کمک می‌کند. از اینرو برای فراهم کردن امکان بهره‌برداری گسترده‌تر از دستاوردهای آموزشی و رویه‌های خلاقه این گروه از معلمان و ایجاد بستر مناسب برای انتقال و تعمیم تجارب ارزنده آنان به دیگر معلمان، شناسایی علل و عوامل و زمینه‌های مؤثر بر خلاقیت تدریس معلمان

خلاق از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف پاسخگویی به این سؤال اساسی که زمینه‌ها و عوامل ایجاد خلاقیت در تدریس معلمان خلاق روستایی چیستند؟ در صدد تحلیل تجارب زیسته معلمان خلاق روستایی و ارائه الگویی است که بر اساس آن بتوان ضمن انتقال این تجارب به سایر معلمان، زمینه خلاقیت‌های آموزشی را در نظام آموزشی کشور تقویت کرد. بی تردید فراهم کردن امکان بهره‌برداری گسترده‌تر از دستاوردهای آموزشی و رویه‌های خلاقه این گروه از معلمان و ایجاد بستر مناسب برای انتقال و تعمیم تجارب ارزنده آنان به دیگر معلمان، نیازمند شناسایی علل و عوامل و زمینه‌های مؤثر بر خلاقیت تدریس معلمان خلاق است؛ پدیده‌ای که تاکنون در نظام آموزشی ما بدان توجه نشده و مورد غفلت واقع گردیده است.

روش شناسی:

در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی و راهبرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است که در آن دانش در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی با مطالعه عمیق دیدگاه و تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در تحقیق فراهم و سپس با عرضه این داده‌ها، به شیوه‌ای استقرایی و تحلیل می‌شوند (Gall et al, 1996).

از آنجا که انتخاب مشارکت‌کنندگان در مطالعات پدیدار شناسانه، هدفمند است (Danaeifard and Kazemi, 2011: 140)، افرادی باید انتخاب شوند که دارای تجارب ارزنده‌ای در خصوص پدیده مورد نظر بوده باشند. بر همین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، معلمان خلاق مناطق روستایی استان کردستان (منطقه آموزشی موچش) هستند که براساس سه معیار زیر توسط اداره آموزش و پرورش منطقه مذکور به عنوان معلمان خلاق شناسایی شده بودند:

اولاً: دارای نتایج و دستاورد آموزشی درخشان (کارنامه آموزشی موفق) بوده‌اند.
ثانیاً: در جشنواره الگوهای برتر تدریس در استان، مقام و رتبه بالا کسب کرده‌اند.
ثالثاً: بر پایه ارزیابی‌های چندگانه از دیدگاه مدیران مدارس، همکاران آموزشی و دانش‌آموزان آنها به عنوان فرد خلاق شناخته شدند.

براین اساس محقق با مراجعه به اداره آموزش و پرورش و براساس معیارهای مذکور اسامی و مشخصات ۸ نفر از معلمان خلاق را دریافت کرد که مشخصات و ویژگی‌های جمعیت شناختی آنها در جدول ۱ ارائه شده است. جهت احصاء و اطلاع از دیدگاهها و تجارب مشارکت‌کنندگان نیز از مصاحبه عمیق استفاده شد.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	سنوات خدمت	رشته تدریس
۱	زن	۳۲	کارشناسی ارشد	۱۵	آموزش ابتدایی
۲	زن	۳۸	کارشناسی ارشد	۱۲	علوم زیست
۳	زن	۲۷	کارشناسی ارشد	۹	دبیر شیمی
۴	زن	۲۵	کارشناسی	۶	دبیر جغرافیا
۵	مرد	۳۴	کارشناسی ارشد	۱۲	علوم اجتماعی
۶	مرد	۲۷	کارشناسی	۸	آموزش ابتدایی
۷	مرد	۲۹	کارشناسی ارشد	۷	ریاضی
۸	مرد	۲۴	کارشناسی	۴	دبیر ادبیات

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش نیز از روش تحلیل کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد که دارای مراحل زیر است:

۱. در پایان هر مصاحبه و ثبت یادداشت برداری‌های میدانی، ابتدا بیانات ضبط شده شرکت کنندگان مکرراً گوش داد شده و اظهاراتشان کلمه به کلمه روی کاغذ آورده و جهت درک احساس و تجارب شرکت کنندگان چند بار مطالعه شد.

۲. پس از مطالعه همه توصیف‌های شرکت کنندگان، زیر اطلاعات با معنی، بیانات مرتبط با پدیده مورد بحث، خط کشیده شد و به این طریق جملات مهم مشخص شدند.

۳. استخراج مفاهیم^۱ بعد از مشخص کردن عبارات مهم هر مصاحبه، سعی شد تا از هر عبارات یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود استخراج گردد. البته پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی کردیم تا مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه را مورد بررسی قرار دهیم و از صحت ارتباط بین آنها اطمینان حاصل کنیم.

۴. بعد از استخراج مفاهیم، پژوهشگران مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه نموده و براساس تشابه مفاهیم آنها را دسته بندی کردند که بر پایه آنها دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده، تشکیل شد. برای توصیف جامع از پدیده مورد مطالعه، نتایج بدست آمده به هم پیوند داده شدند و دسته‌های کلیتری از مفاهیم به وجود آمدند.

۶. از پدیده مورد مطالعه (تا حد امکان با بیانی واضح و بدون ابهام) توصیف نسبتاً جامعی ارائه شد.

^۱.Formulated meanings

۷. اعتبار بخشی یافته‌ها با مراجعه مجدد به هر یک از مشارکت‌کنندگان وانعکاس یافته‌ها به آنان، انجام شد. مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر ضمن اطلاع از نحوه تحلیل و جمع‌بندی دیدگاه‌های خود مجدداً بر آن صحنه گذاشتند. به علاوه جهت استحکام تحقیق از دو معیار اطمینان‌پذیری و باور‌پذیری نیز استفاده شد.

یافته‌های تحقیق:

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان براساس سؤال اصلی پژوهش، به شکلی استقرایی و بر پایه مدل تحلیلی کلایزی تحلیل گردید که در جدول ۲ یک نمونه از نحوه تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها نشان داده شده است. بر این اساس مجموعه پاسخ‌هایی که مصاحبه‌کنندگان به سؤال مصاحبه داده بودند، در سه دسته کلی عوامل فردی، فرهنگی، اداری مؤثر بر خلاقیت تقسیم شدند که ذیلاً با شواهد مثالی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش مستند گردیده است.

جدول ۲: نمونه کدگذاری مصاحبه‌ها

کد انتخابی	کد محوری	کدباز
عوامل فردی	تجربه و تحصیلات معلمان ساده‌سازی محتوا تسلط بر محتوا	"از عوامل زمینه‌ساز خلاقیت بنده، ساده نمودن محتوا متناسب با سطح درک دانش‌آموزان روستایی بود. مثلاً دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در درک تجسمی رابطه فیثاغورث ضعیف بودند. بنابراین برای درک شهودی آن سه قاب شبیه مستطیل در مثلث قائم‌الزاویه با شیشه ساختم و هر سه را به هم وصل کردم. در مربع روی وتر مایع ریختم وقتی مایع درون مربع روی وتر در دو مربع دیگر ریخته شد هر دو را پر کرد، به همین دلیل گفتم رابطه فیثاغورث می‌گوید: مربعی که روی وتر است مساوی دو مربع دیگر قائم‌الزاویه است. با این کار دانش‌آموزان به راحتی رابطه فیثاغورث را درک کردند."

۱. عوامل فردی

یافته‌های کسب شده در خصوص عوامل فردی مؤثر بر خلاقیت معلمان ابتدا براساس تشابه معنایی در سه مقوله الف) تجربه و تحصیلات فردی، ب) علاقه و انگیزه و ج) وجدان کاری دسته بندی و سپس این سه مفهوم نیز در یک دسته کلی تری تحت عنوان عوامل فردی طبقه شدند.

الف: تجربه و تحصیلات معلمان

تجربه کافی آموزشی و تحصیلات مرتبط معلمان از جمله پارامترهایی هستند که به زعم مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کیفی می‌توانند در رشد خلاقیت آموزشی معلمان آنهم در شرایط بسیار محدود کننده آموزشی در مناطق دور افتاده نقش مهمی ایفا نمایند. دیدگاه مشارکت‌کنندگان در ارتباط با این مؤلفه‌ها و ابعاد جانبی آن قابل تأمل است.

معلم شماره ۱ در تاثیر عوامل فردی بر تسلط بر محتوا و ساده سازی آن متناسب با سطح درک دانش آموزان تأکید می‌کند.

"از عوامل زمینه‌ساز خلاقیت بنده، ساده نمودن محتوا متناسب با سطح درک دانش‌آموزان روستایی بود. مثلاً دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در درک تجسمی رابطه فیثاغورث ضعیف بودند. بنابراین برای درک سه‌گونی آن سه قاب شبیه مستطیل در مثلث قائم الزاویه با شیشه ساختم و هر سه را به هم وصل کردم. در مربع روی وتر مایع ریختم وقتی مایع درون مربع روی وتر در دو مربع دیگر ریخته شد هر دو را پر کرد، به همین دلیل گفتم رابطه فیثاغورث می‌گوید: مربعی که روی وتر است مساوی دو مربع قائم الزاویه است. با این کار دانش‌آموزان به راحتی رابطه فیثاغورث را درک کردند."

در نظام آموزش متمرکز مواد آموزشی به طور یکسان بدون توجه به نیازها، امکانات و همچنین سطح درک و فهم دانش‌آموزان مناطق مختلف تهیه و تنظیم می‌شود. به همین سبب تدریس مواد درسی برای معلمان مناطق مختلف سخت و دشوار است. اما معلمان آگاه و با تجربه تسلط زیادی بر محتوا دارند و با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های جدید به ساده سازی محتوا متناسب با سطح درک و سن دانش‌آموزان مناطق مختلف می‌پردازند، براین اساس تسلط معلمان خبره بر محتوا، زمینه خلاقیت آنها را فراهم می‌کند.

معلم شماره ۶ بر آشنایی با روش‌های مختلف تدریس تأکید می‌کند.

"در زمینه روش تدریس همیشه سعی کرده‌ام که با توجه به تعداد جمعیت دانش‌آموزان، فضای کلاسی و امکانات موجود در روستا از بهترین روش‌ها استفاده کنم. در

هر کلاسی دانش آموزان با سطوح خیلی خوب، خوب، متوسط و ضعیف وجود دارند که با بررسی پرونده تحصیلی آنها و همچنین در طی ماه اول تحصیلی آنها را شناسایی کرده و سعی‌ام براین بوده است که ضمن چینه‌س گروهی نیمکت‌ها، یک دانش آموز خیلی خوب را در کنار یک دانش آموز ضعیف یا متوسط، قرار بدهم که این دانش آموزان ضعیف و متوسط در کنار دانش آموزان خیلی خوب ارتقاء پیدا کنند و انگیزه بیشتری پیدا کنند."

معلم شماره ۴ از عوامل فردی موثر بر خلاقیت بر آشنایی معلمان با روش‌های مختلف ارزشیابی تاکید دارد.

"یکی از علل موفقیت بنده استفاده از روش و شیوه‌های مختلف ارزشیابی بود. من هر گونه پیشرفتی را تشویق می‌کردم و به جای ارزشیابی مستمر در دو یا سه جلسه در طول ترم، هر جلسه ارزشیابی داشتم، به این صورت که به هر پاسخ درست دانش آموزان در هر جلسه یک گلبرگ می‌دادم و در آخر کل گلبرگ‌ها به یک گل زیبا تبدیل می‌شد و دانش آموزان برای بدست آوردن گل زیبا در طول ترم با هم رقابت می‌کردند."

معلم شماره ۸ بر انتخاب شیوه تدریس متناسب با موضوع درس تاکید می‌کند.

"هر موضوع درسی را با شیوه تدریس مناسب با آن تدریس می‌کردم. مثلاً برای درس تاریخ بعد از ارائه درس به هر کدام از دانش آموزان نقشی از داستان تاریخ می‌دادم تا در جلسه آینده آن را به صورت نمایش ارائه دهند. این باعث می‌شد که ویژگی‌های شخصیت‌های تاریخی را بهتر درک کنند."

بنابراین معلمان با تجربه از خلاقیت بیشتری نسبت به معلمان تازه کار برخوردارند چون آنها با روش و فنون تدریس بیشتری آشنا هستند و برای درک بهتر دانش آموزان مطالب و موضوعات درسی را به روش و شیوه‌های مختلف ارائه می‌دهند و همچنین روش و فرآیندهای تدریس را به صورت تصادفی انتخاب نمی‌کنند بلکه آنها را بر مبنای نیاز کلاس و متناسب با موضوعات درسی انتخاب می‌نمایند.

معلم شماره ۵ خلاقیت خود را در توانایی مدیریت کلاس می‌داند.

"از مهم‌ترین عواملی که به خلاقیت من کمک کرد؛ قدرت کنترل کلاس و استفاده از موقعیت‌ها برای یادگیری بهتر دانش آموزان بود. مثلاً در کلاس زیست شناسی یک پرنده وارد کلاس شد با وجود اینکه کلاس من همه دختر بودند بدون اینکه کلاس را

بهم بزمنم از یک دانش آموز خواستم آن را بگیرد و بعد ویژگیهای ظاهری و بیولوژیکی پرنده که در جلسه قبل به صورت تئوری تدریس کرده بودم را بر روی این پرنده به صورت عملی شرح دادم."

معلمان توانمند به علت تسلط بر محتوا، آگاهی از روش‌های مختلف تدریس، داشتن روحیه انتقاد پذیری و مهارت در پرسش و پاسخ، از توانایی لازم برای جلب توجه دانش آموزان و گسترش مشارکت آنها در کلاس و همچنین ایجاد نظم و انضباط برخوردارند. بدیهی است زمانی معلم می‌تواند از هر شرایطی به عنوان فرصتی برای تدریس و یادگیری بهتر استفاده کند که کنترل کامل و همه جانبه‌ای بر کلاس داشته باشند.

معلم شماره ۷ بر توانایی مدیریت زمان تاکید می‌کند.

"من برای مدیریت زمان در کلاس چند پایه، از یادگیری همسال به همسال استفاده می‌کردم مثلاً برای یادگیری دانش آموزان پایه‌ی پایین‌تر از دانش آموزان پایه‌ی بالاتر استفاده می‌کردم به همین سبب زمان کافی برای تدریس دو پایه داشتم و از سوی دیگر چون دانش آموزان دو پایه از لحاظ سطح فکری به هم نزدیک بودند در نتیجه مطالب را زودتر و بهتر یاد می‌گرفتند."

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که علیرغم اینکه بسیاری از معلمان روستایی در کلاس‌های چند پایه به علت تدریس همزمان در چند پایه تحصیلی با مشکل کمبود زمان برای تدریس مواجه هستند، اما معلمان خلاق با استفاده از روش و فنون‌های خاص به گونه‌ای زمان را مدیریت می‌کنند که اثر بخشی فعالیت‌های آموزشی آنها را افزایش می‌دهد.

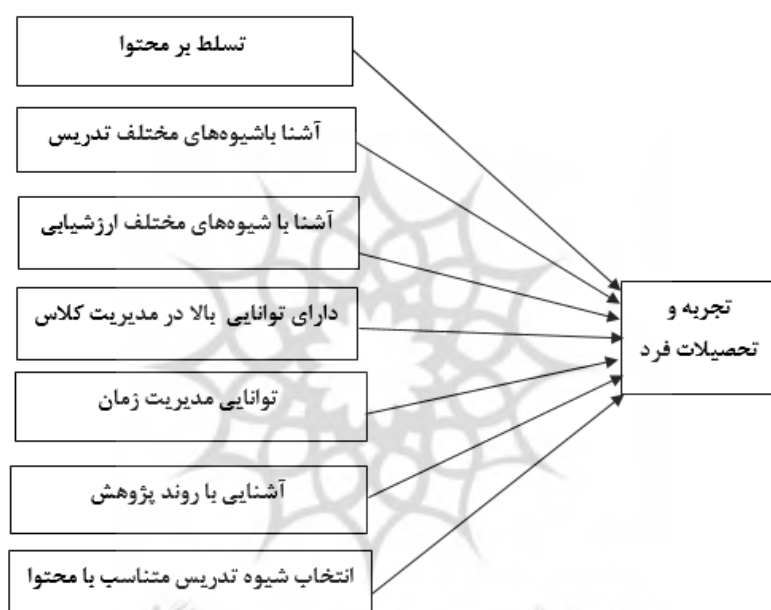
معلم شماره ۸ بر آشنایی با روند پژوهش و اقدام پژوهی تاکید می‌کند.

"با توجه به اینکه من دارای مدرک تحصیلات تکمیلی می‌باشم و با اصول و روند انجام کارهای پژوهشی شناخت پیدا کرده‌ام در بسیاری از موارد برای حل مشکلات دانش آموزان روستایی در فرایند یادگیری از اقدام پژوهی استفاده می‌کنم."

معلم شماره ۴ نیز به موضوع سواد پژوهی اشاره کرده‌است.

"از عوامل دیگر زمینه ساز خلاقیت در تدریس سواد پژوهی است. مثلاً من با اقدام پژوهی در کلاس سعی می‌کردم از آنالوژی استفاده کنم که از آن به عنوان یک مقایسه سریع و واضح بین دو رشته و یا قلمرو علمی تعریف می‌شود و دانش آموزان در یک قلمرو آشنایی دارند اما با قلمرو دیگر ناآشنا هستند."

نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که توانایی و مهارت معلمان در تسلط بر محتوا و روش‌های مختلف تدریس و ارزشیابی، توانایی کنترل کلاس، مدیریت زمان و همچنین مهارت در اقدام پژوهی ناشی از تجربه و تحصیلات بالای آنان است (شکل ۱). همچنین یافته‌های پژوهشی آشکار ساخت که خلاقیت و نوآوری معلمان به مخزن غنی از دانش که طی سال‌ها تجربه و تحصیل در زمینه تدریس و یادگیری کسب نموده‌اند، بستگی دارد. معلمان خلاق از دانش و آگاهی ماحصل تجربه و تحصیلات خود نه به عنوان معلومات پرکننده مغزی بلکه به عنوان وسیله‌ای برای یافتن راه‌حل جدید در هنگام مواجهه شدن با چالش‌ها و شرایط ویژه تدریس در مدارس روستایی استفاده می‌کنند.



شکل ۱) توانایی‌ها و مهارت‌های ناشی از تجربه و تحصیلات فرد

ب: علاقه و انگیزه

معلم شماره ۲ توجه به امور جالب در زندگی و ربط دادن آن به تدریس را عامل مؤثر بر خلاقیت در تدریس می‌داند.

"من از هر چیز جالبی که به ذهنم می‌رسید یا توجه مرا به خود جلب در تدریس استفاده می‌کردم. مثلاً یکبار اسامی دانش آموزان را به ترتیبی که در لیست حضور غیاب بود، نخواندم همه تعجب کردند بعد متوجه شدم همه ترتیب اسم خودشان را که بعد از چه کسی خوانده می‌شود را حفظ کرده بودند. این یک جرقه‌ای شد تا من

گرامر حال ساده را که دانش آموزان در یادگیری آن مشکل داشتند را با استفاده از این روش آسان کنم. مثلاً به نفر اول لیست عنوان فاعل دادم و نفرات بعد لیست به عنوان فعل، مفعول، قید زمان و مکان دادم به این ترتیب دانش آموزان به راحتی این گرامر را یادگرفتند."

معلم شماره ۷ ایجاد ارتباط بین علائق معلم و تدریس را زمینه ساز خلاقیت می‌داند.

"برای تنوع و ایجاد شیوه‌های جدید در تدریس همیشه سعی می‌کردم بین علاقه خود و مطالب درسی ارتباط ایجاد کنم مثلاً چون به فوتبال علاقه داشتم به دانش آموزان می‌گفتم اگر یک توپ با این مشخصات و معیارها برای تیم رئال مادرید درست کنیم چقدر چرم نیاز داریم. یا هر چیز دیگری که به نظرم جالب می‌آمد برای یادگیری بهتر دانش آموزان به موضوعات درسی ربط می‌دادم."

براساس مصاحبه‌ها ویژگی‌های بالا در معلمانی دیده می‌شود که به شغل معلمی و تدریس علاقه داشته باشند، معلمان دارای علاقه و انگیزه به شغل معلمی با اشتیاق به کار خود نگاه می‌کنند و با پرورش ذهن خلاق سعی می‌کنند هر ایده و نگرش که در زندگی روزمره به نحوی می‌تواند به موفقیت آنها در تدریس کمک می‌کند، استفاده کنند. همچنین آنها هر چیز جالبی که در زندگی روزمره ذهن آنها را به خود جلب کند به عنوان یک موقعیت جدید در تدریس به کار می‌کنند.



شکل ۲) علاقه و انگیزه

ج: وجدان کاری

معلم شماره ۵ توجه به باورها و ارزش اخلاقی در هنگام انجام کار را عامل موثر بر خلاقیت می‌داند.

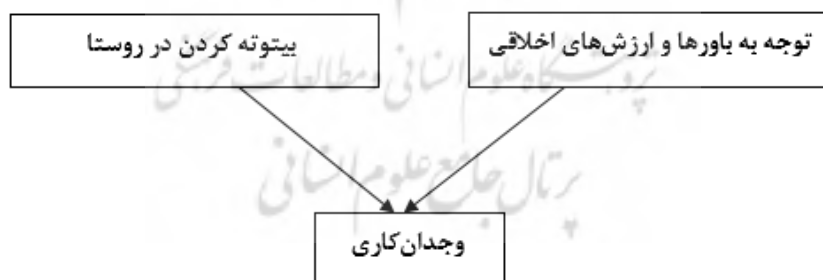
"چون به دین مبین اسلام معتقد هستم و از دیدگاه دین اسلام هر نوع کسب حلال بایستی با تلاش و کوشش فراهم شود. سعی می‌کردم که کامل از وقت و زمان کلاس

استفاده کنم و و با استفاده از انواع تکنیک‌ها امکان یادگیری دانش‌آموزان را فراهم کنم".

معلم شماره ۳ بر بیتوته به عنوان عامل خلاقیت تاکید می‌کند.

"چون در روستا ساکن بودم به خانه دانش‌آموزان زیاد رفت و آمد می‌کردم و در نتیجه با شناسایی فرهنگ مردم و نقاط قوت و ضعف تک تک دانش‌آموزان سعی می‌کردم روش و شیوه تدریس متناسب با وضعیت دانش‌آموزان انتخاب کنم. مثلاً در بین دانش‌آموزان روستایی قدرت نه گفتن، خیلی پایین است و هر چند من به صورت تئوری سعی می‌کردم این توانایی را در دانش‌آموزان ایجاد کنم باز ناتوان بودم. اما با رفت و آمد به خانه آنها متوجه شدم که آنها بسیار تحت تاثیر فیلم و نمایش قرار می‌گیرند. سپس با ارائه یک نمایش کوتاه توانستم توانایی نه گفتن را در دانش‌آموزان افزایش دهم".

بنابراین افراد دارای وجدان کاری با تعهد درونی به وظایف و ارزش‌های سازمان، کار خود را با نظم و انسجام خاصی انجام می‌دهند و همچنین از کارایی و اثربخشی بالایی نیز برخوردارند. از اینرو معلمان دلسوز و دارای وجدان کاری نیز در روستای محل تدریس‌شان بیتوته می‌کنند. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که معلمان با بیتوته در روستا بیشتر دانش‌آموزان را درک می‌کنند و حتی گاهی خود را جای دانش‌آموز تصور می‌کنند تا ببینند آنها با توجه به آن شرایط سخت کاری در روستا و همچنین کمبود امکانات چگونه مطالب درسی را درک می‌کنند تا از روش و فنون متناسب با آن موقعیت استفاده کنند.



شکل (۳) وجدان کاری

۲- عوامل فرهنگی

علاوه بر عوامل فردی مشارکت کنندگان به مفاهیم دیگری اشاره نمودند که براساس تشابه معنایی در دو دسته کلی، توجه به تعارض محتوا با نیاز دانش‌آموزان مناطق مختلف و توجه به محدودیت‌های

فرهنگی مناطق محروم دسته بندی می‌شوند، و این دو مفهوم نیز در دسته کلی تر عوامل فرهنگی طبقه بندی می‌شوند.

معلم شماره ۴ بر کاربردی کردن مطالب به عنوان عامل خلاقیت تاکید دارد.

"نه تنها دانش آموزان روستایی دارای پیشینه علمی ضعیف هستند، بلکه تدریس درس ریاضی برایشان توجیه پذیر نمی‌باشد و به همین دلیل بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات را درک نمی‌کردند. به عنوان مثال گاهی سؤال می‌پرسیدند که این مفاهیم ریاضی چه کاربردی در زندگی ما دارد و اصلاً چه لزومی به یادگیری آن هست؟ به همین دلیل مسائل ریاضی را در محیط روستا و به صورت شهودی تدریس می‌کردم. مثلاً مساحت زمین‌های کشاورزی نزدیک روستا را بدست می‌آوردیم بعد به دانش‌آموزان می‌گفتم حالا چند متر سیم برای حصار بندی آن لازم است، بعد از کلاس آن را به عنوان حل تمرین تحویل دهید."

البته شواهد تحلیلی از محتوای برنامه درسی ملی کشور نشان می‌دهد که محتوای تدوین شده در کتب درسی با نیاز دانش آموزان مناطق مختلف که دارای ارزش‌ها و تجارب محیطی خاص هستند، هماهنگ نیست. به همین دلیل در صورت بی ربط بودن محتوای آموزشی و عدم تناسب آن با نیازهای فرهنگی و محیطی دانش‌آموزان، انتقال مطالب و مفاهیم به محیط واقعی و اجتماعی برای دانش‌آموزان نیز امکان پذیر نیست و این باعث تردید و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان نسبت به یادگیری مطالب در کلاس درس می‌شود. اما معلمان خلاق با کاربردی نمودن مطالب درسی و تطابق آن با زندگی واقعی دانش‌آموزان علایق و انگیزه آنها را نسبت به یادگیری مطالب درسی افزایش می‌دهند. معلم شماره ۶ همسان سازی محتوا متناسب با سطح درک دانش‌آموزان مناطق مختلف را عامل خلاقیت می‌داند.

"با توجه به ناهمسانی محتوا با سطح درک دانش‌آموزان، آنها از یادگیری مطالب نامناسب و صرفاً تئوری خسته می‌شدند. به همین دلیل برای درک محتوا به فکر ارائه مطالب از طریق بازی افتادم. مثلاً در درس مطالعات اجتماعی از دانش‌آموزان می‌خواستم بازی‌های محلی خودشان را به من یاد دهند و من در کنار بازی زیرکانه قوانین اجتماعی را به دانش‌آموزان یاد می‌دادم."

معلم شماره ۵ بر توجه به تفاوت زبان رسمی با زبان مادری به عنوان عامل خلاقیت تاکید می‌کند.

"دانش‌آموزان در یادگیری مفاهیم به زبان رسمی مشکل داشتند. مثلاً من به دانش‌آموزان می‌گفتم در مورد کلمه کیف جمله بسازید؛ آن را با کلمه کوه که در زبان

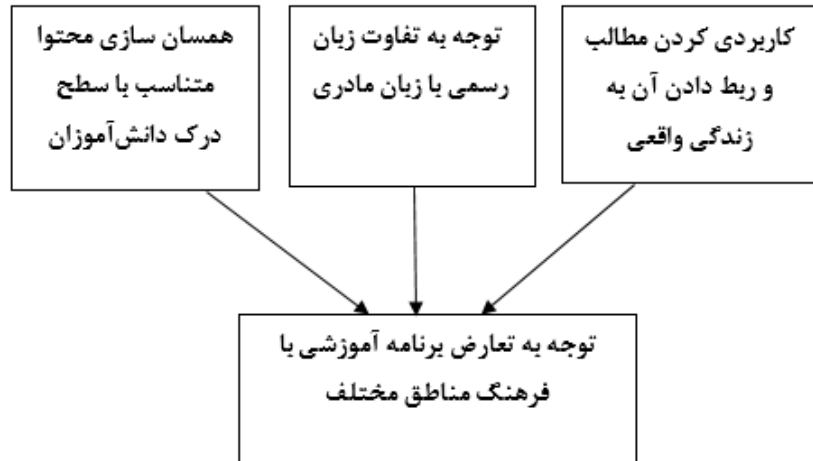
خودشان مثل کیف تلفظ می‌شود، اشتباه می‌گرفتند. برای رفع این چالش با استفاده از شعر و داستان‌های کوتاه سعی کردم نه تنها یادگیری این مفاهیم را برای دانش آموزان ساده کنم بلکه زبان رسمی را نیز برای دانش آموزان جذاب نشان دهم."

همچنین معلم شماره ۳ در این زمینه اشاره می‌کند.

"از مهم‌ترین علل خلاقیت من به عنوان دبیر شیمی تعارض محتوا با مختلف زبان مادری دانش‌آموزان بود. مثلاً در درس شیمی دانش‌آموزان بسیاری از مطالب و اصطلاحات فنی و ناآشنا با زبان مادریشان را یاد نمی‌گرفتند، به همین دلیل مطالب درسی را به صورت طنز و با ارتباط دادن آنها به دنیای واقعی تدریس می‌کردم مثلاً برای تدریس خواص مواد از جملات طنز استفاده می‌کردم تا دانش‌آموزان نسبت به کلمات ناآشنا اشتیاق نشان دهند."

این درحالی است که دانش‌آموزان مناطق مختلف در بدو ورود به مدرسه با چالش‌های خاص دوگانگی زبان مواجهه هستند. چون مطالب درسی به زبان رسمی که سنخیتی زیادی هم از لحاظ تلفظ و هم از لحاظ محتوایی با زبان مادری آنها ندارد، بیان می‌شود و از سوی دیگر آنها تجارب و پیشینه خود را براساس زبان مادری یاد گرفته‌اند و در برابر یادگیری به زبان رسمی دچار چالش‌های خاصی می‌شوند، بنابراین معلمان مناطق مختلف به ویژه مناطق روستایی باید برای یادگیری مفاهیم به زبان رسمی از شیوه‌ها و فنون جدیدی استفاده کنند.

با این وصف معلمان خلاق با توجه به تعارض برنامه آموزشی با فرهنگ مناطق مختلف با کاربردی نمودن مطالب و همسان سازی محتوا، کاهش تعارض زبان رسمی با مادری را در دستور خود قرار می‌دهند. چون در نظام آموزش متمرکز بدون توجه به تفاوت منابع و امکانات، نیازهای فرهنگی و زبان مادری اقوام مختلف به تدوین برنامه‌ها آموزشی غیر واقع‌بینانه و نامناسب با فرهنگ‌های مختلف می‌پردازند. و از طرفی دیگر نه تنها برنامه آموزشی متناسب با فرهنگ طبقه بالا و شهری تدوین می‌شود بلکه با توجه به اینکه دانشگاه‌های تربیت معلم در شهرها تاسیس شده (پدیده شهری)، برنامه‌های آموزشی آنها نیز براساس فرهنگ شهری تدوین می‌شود. بنابراین معلمان روستایی با توجه به تعارض محتوا با نیاز دانش‌آموزان مناطق مختلف و تفاوت رسمی با زبان مادری دانش‌آموزان در تدریس با چالش و شرایط ویژه‌ای مواجه هستند و باید برای اثربخشی خود به دنبال راه‌حل و شیوه‌ای جدید باشند.



شکل ۴) تعارض برنامه آموزشی با فرهنگ مناطق مختلف

معلم شماره ۶ تلاش برای ایجاد خود محوری در دانش آموزان روستایی را زمینه ساز خلاقیت خود می‌داند.

"برای ایجاد خود محوری در دانش آموزان می‌توان از شیوه تغییر مدیریت کلاس استفاده کرد. مثلاً من هنگام ارائه کنفرانس توسط دانش آموزان مدیریت کلاس را به آنها واگذار می‌کردم و خودم نیز مانند دیگر دانش آموزان باید به سؤالات در زمان ارائه کنفرانس پاسخ می‌دادم."

معلم شماره ۴ و ۶ تلاش برای تقویت قدرت بیان و پرسش و پاسخ در دانش آموزان روستایی را عامل خلاقیت می‌دانند.

براساس دیدگاه معلم شماره ۴ و ۶ معلم برای تقویت قدرت کنجکاوی، ابراز بیان و پرسش و پاسخ دانش آموزان دارای مشکلات روانشناختی مانند ترس و شرم در مدارس روستایی می‌توانند از روش بارش مغزی استفاده کنند. مثلاً یک مسئله را مطرح و از دانش آموزان بخواهند هر راه‌حلی که به ذهنشان می‌رسد را بیان کنند.

معلم شماره ۸ عامل خلاقیت را کاهش کم رویی دانش آموزان بیان کرده است.

"یکی از مشکلاتی که در دانش آموزان روستایی مشاهده می‌شود عدم توانایی تکلم و سخنرانی در جمع بود که ریشه در فقر فرهنگی خانواده‌ها داشت. لذا به عنوان دبیر درس علوم اجتماعی سعی کردم بعضی از موضوعات درسی را به صورت گروهی و

مشارکتی تدریس نمایم؛ چرا که تدریس گروهی و سخنرانی در جمع باعث افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان و کاهش کم‌رویی در آنها می‌شود."

بنابراین مواجه شدن معلمان با مسائل و مشکلات روانشناختی دانش‌آموزان مناطق محروم می‌تواند زمینه خلاقیت آموزشی را در آنان تقویت کند. با توجه به محدودیت‌های فرهنگی مانند پایبندی به عقاید سنتی و سبک پدر سالاری، والدین محدودیت و موانع زیادی به فرزندان خود اعمال می‌کنند و از دیدگاه آنها فرزندان باید به والدین احترام بگذارند و هر آنچه که آنها می‌گویند بدون هیچ بحثی انجام دهند. همچنین امکان اظهار نظر و تبادل کلامی در بین فرزندان این خانواده‌ها بسیار اندک است. بنابراین فقر فکری و علمی والدین به ایجاد مشکلات روانشناختی مانند ترس و شرم در دانش‌آموزان منجر می‌شود که قدرت ابراز بیان، کنجکاوی، پرسش و پاسخ و خود محوری از آنها گرفته شود. در نتیجه معلمان هنگام مواجه با این چالش‌ها و شرایط ویژه تدریس در مدارس روستایی باید از روش و شیوه‌های جدید و متناسب با آن موقعیت برای تدریس و یادگیری استفاده کنند. مثلاً برای ایجاد اعتماد به نفس و خود اتکایی و تقویت قدرت بیان در دانش‌آموزان معلمان می‌توانند از روش تدریس مشارکتی و گروهی استفاده کنند.



شکل ۵) توجه به محدودیت‌های فرهنگی مناطق محروم

۳- عوامل اداری

در خصوص سایر عوامل اثرگذار بر خلاقیت تدریس معلمان مشارکت کنندگان به مفاهیم دیگری نیز نظیر رعایت قوانین بوروکراسی، عدم تفویض اختیار به مدیران، کمبود امکانات، مشارکت با همکاران،

تشکیل جلسه اولیاء و مربیان و حمایت مدیر مدرسه اشاره نمودند که براساس تشابه معنایی در دسته کلی تر عوامل اداری طبقه‌بندی شدند.

معلم شماره ۳ بر رعایت قوانین بورو کراسی به عنوان یکی از موانع خلاقیت تاکید می‌کند.

"هر بار که معاون آموزشی اداره آموزش و پرورش منطقه، به مدرسه ما مراجعه می‌کرد از ما می‌خواست که در چهارچوب قوانین مشخص شده کار کنیم و دستاوردها را بالا نگه داریم به ما هشدار می‌داد در صورت پایین بودن نمرات و رعایت نکردن قوانین، شما را توبیخ می‌کنم. در نتیجه امکان ریسک پذیری عقلانی را از ما می‌گرفت."

نظام آموزش و پرورش کشور که دارای ساختاری متمرکز بوده که در آن قوانین از بالا به پایین و به صورت سلسله مراتبی اعمال می‌گردد و تخصص گرایی، وظیفه‌مداری، یکنواختی و عدم انعطاف از مشخصات بارز آن بوده بر بازده و نتایج و همچنین قوانین و ضوابط سخت و ثابت تأکید می‌کند، امکان بروز خلاقیت از منابع انسانی بالاخص معلمان را از آنان سلب می‌کند.

معلمان شماره ۴ و ۷ بر عدم تفویض اختیار مدیران به معلمان را به عنوان یکی از موانع خلاقیت ذکر می‌کنند. معلم شماره ۴ در این ارتباط موضوعی چنین می‌گوید:

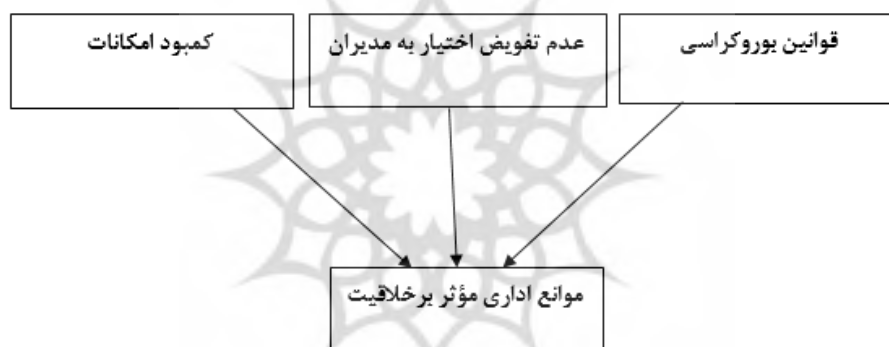
بسیاری از مطالب درسی مانند جغرافیا و زیست باید در محیط بیرون و در اردوهای علمی تدریس می‌شوند، اما برای تدریس در محیط روستا باید از مدیر اجازه گرفته شود، مدیر نیز براساس رعایت قوانین بوروکراسی اجازه‌ی تدریس در بیرون از مدرسه محیط را نمی‌دهد. در نتیجه معلمان ناگزیرند در اردوهای تفریحی مطالب علمی را تدریس می‌کنند."

بدیهی است که انجام فعالیت‌های اثربخش و خلاقانه معلمان به آزادی عمل و استقلال حرفه‌ای معلمان و همچنین فضای آموزشی و مدیریتی مناسب بستگی دارد.

معلم شماره ۳ بر کمبود امکانات در مدرسه به عنوان یکی از موانع مؤثر بر بروز خلاقیت اشاره می‌کند.

"چون امکانات آموزشی کم بود و دانش آموزان دارای پیشینه قوی هم نبودند، من سعی می‌کردم با امکانات کم و ایجاد شیوه‌های جدید در تدریس، اثربخشی لازم را ایجاد کنم و مثلا در مورد قوانین دست راست در درس فیزیک با استفاده از دست به بچه‌ها آموختم که چگونه مسائل جدید را حل کنند."

نتایج مصاحبه‌ها حاکی از آن است که معلمان بر این باورند که استفاده از روش‌های قدیمی و صرفاً سخنرانی دیگر کارایی و اثربخشی آموزشی ندارد. لذا مجهز شدن مدارس به فناوری‌های آموزشی جدید مانند پروژکتور و وسایل سمعی و بصری فضای تدریس را متحول کرده است و امکان ارائه درس به شیوه‌های متنوع را فراهم می‌کند و به بهبود کارایی، اثربخشی و خلاقیت معلمان در تدریس کمک می‌کند. با این حال مدارس روستایی نه تنها به فناوری‌های آموزشی مجهز نیستند بلکه اساساً برای دروس عملی مانند علوم و زیست و برای برپایی مؤثر این کلاس‌ها با کمبود فضا، امکانات و مواد آموزشی مواجه هستند. لذا در نتیجه کمبود امکانات آموزشی، عدم کارایی و اثر بخش نبودن تدریس در چنین شرایطی بسیار دور از انتظار نیست. مع الوصف معلمان خلاق روستایی با روش‌های جدید تدریس، تولید مواد آموزشی و استفاده بهینه از حداقل امکانات در دسترس به رفع کمبودها و بهبود کیفیت تدریس کمک کرده‌اند.



شکل ۶) موانع اداری مؤثر بر خلاقیت

معلم شماره ۲ به نقش مدیر مدرسه به عنوان عامل مؤثر بر خلاقیت اشاره می‌کند.

"مدیر مدرسه با ایجاد رقابت و مشارکت در بین معلمان این حس را در من بیدار می‌کرد که می‌توانم در هر جلسه با یک روش تدریس جدید و نو در سر سکوی تدریس حاضر شوم. مثلاً یک درس علوم اجتماعی که در مورد مبادله است را به صورت نمایشی ارائه نمودم و وقتی همین موضوع را با همین شیوه در جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس ارائه کردم؛ باعث شد در استان مقام دوم را کسب کنم."

بدیهی است که برای ایجاد خلاقیت در محیط مدرسه، مدیر خود باید به خلاقیت به عنوان فعالیت ضروری اعتقاد و باور داشته باشد. هر چند بنابه به ماهیت متمرکز آموزشی مدیران باید از قوانین و

ضوابط سخت و ثابت پیروی کنند؛ اما مدیران در مدارس می‌توانند با تفویض اختیار بیشتر به معلمان و همچنین با تمایل به گوش دادن، بحث کردن و مشارکت در زمینه اجرا و کاربرد ایده‌های جدید در زمینه تدریس و یادگیری به پرورش و تحریک خلاقیت در مدرسه بپردازند. علاوه بر این در نظام آموزش روستایی چون شرایط و چالش‌های آموزشی زیاد است مدیران باید معلمان را بیشتر درک کنند و با حمایت، پشتیبانی، تشویق و همچنین ارزیابی مناسب از عملکرد معلمان، امکان خلاقیت آنها را در زمینه الگوها و روش‌هایی جدید تدریس فراهم کنند.

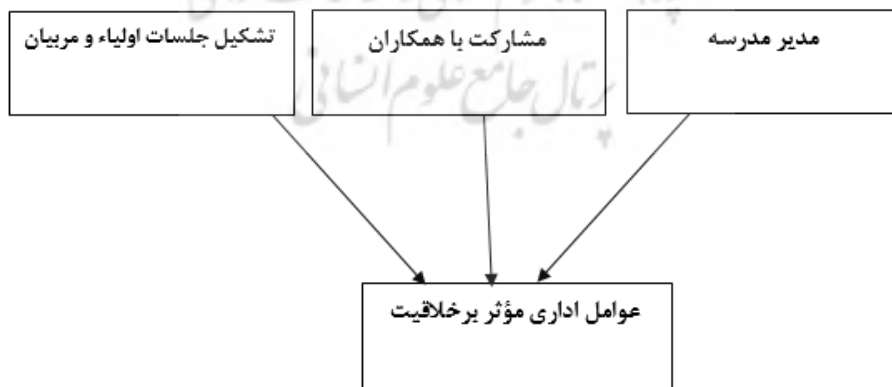
معلم شماره ۵ تعامل با همکاران را عامل رشد خلاقیت می‌داند.

"در تشکیل جلسات مشارکتی، دبیران دوره‌م جمع می‌شدند و در مورد مسائل و مشکلات تدریس در رشته خود با هم مشورت می‌کردند. تا به راه‌حل جدیدی برسند."

"یکی دیگر از علل خلاقیت آن است که در مورد نحوه تدریس خود با معلمان موفق همواره بحث کنید و حتی گاهی رفتار معلمان و همکاران موفق را زیر نظر بگیرید بدون آنکه خودشان بفهمند."

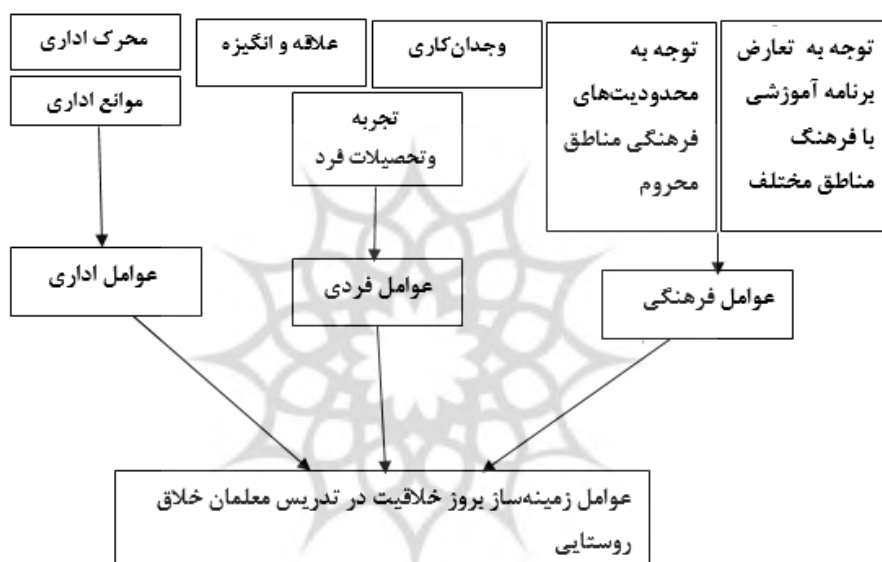
معلم شماره ۶ بر تشکیل جلسات اولیاء و مربیان به عنوان عامل بروز خلاقیت در معلمان تاکید می‌کند.

"با تشکیل جلسات اولیاء و مربیان توسط مدیر مدرسه و تلاش برای تغییر نگرش والدین نسبت به مدرسه و تربیت فرزندانشان باعث می‌شد تا از بار مسولیت معلم در کلاس کم شود و در نتیجه با ذهنی بازتر به شیوه و روش‌های جدید برای تدریس و یادگیری بپردازند."



شکل ۷) عوامل اداری مؤثر بر خلاقیت

به‌طور کلی نتایج تحلیل دیدگاه و تجارب مشارکت‌کنندگان در خصوص عوامل و زمینه‌های بروز خلاقیت معلمان در مدارس روستایی مؤید آن است که خلاقیت معلمان به‌عنوان یک مؤلفه چند وجهی متأثر از فاکتورها و عوامل متعددی است که با هم ارتباط ارگانیک داشته بخش‌های مختلف پازل تدریس خلاق را تشکیل می‌دهند. شکل ۸ زمینه‌ها و عوامل مذکور را که به صورت جز به کل چیده شده ترسیم می‌کند.



شکل ۸) عوامل مؤثر بر خلاقیت معلمان خلاق روستایی در تدریس

نتیجه‌گیری و بحث

مربیان و معلمان اثربخش اغلب طبیعتی خلاق دارند. با این وجود ارزیابی معلمان خلاق چیزی است که کمتر در ادبیات مربوط به خلاقیت به چشم می‌خورد. در حقیقت در آموزش و پرورش اطلاعات اندکی راجع به تجارب و تلاشهای معلمان خلاق وجود دارد. این در حالی است که مطالعه ویژگی‌های معلمان خلاق هم از نظر تربیتی و هم از نظر روانشناختی ارزشمند و دارای منافع است. به باور ایوب و همکارانش (Ayob, Hussain and Abdul Majid, 2013) چنین پژوهش‌هایی می‌توانند به توصیف روشهای بهبود خلاقیت و تقویت تجارب تدریس معلمان و همچنین افزایش درک ما از خلاقیت‌های اجتماعی و میان فردی و بروز رفتار خلاقه در کارهای روزمره افراد بینجامد. به هر حال این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر خلاقیت در تدریس معلمان در مناطق روستایی انجام و تلاش شد تا با

تحلیل تجربه زیسته معلمان خلاق این زمینه‌ها و عوامل شناسایی و برجسته گردند. نتایج برگرفته از پژوهش مؤید آن بود که در فرایند تدریس خلاق مجموعه‌ای از بسترها و عوامل نقش دارند که به طور کلی می‌توان آنها را در دسته از عوامل فردی، فرهنگی و اداری دسته بدی کرد که ذیلاً مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرند.

۱. عوامل فردی

طبق یافته‌های بدست آمده از افراد مورد مطالعه، می‌توان عوامل فردی مؤثر بر خلاقیت را در سه عامل "تجربه و تحصیلات فرد"، "علاقه و انگیزه" و "وجدان کاری" تجسم کرد. بنابراین نتایج این مطالعه از بعد عوامل فردی نشان داد که معلمان خلاق افرادی هستند که از **تحصیلات و تجربه بالا** برخوردار بوده و دارای **علاقه و انگیزه** حرفه‌ای و **وجدان کاری** قابل ستایش می‌باشند. برخورداری از چنین صفاتی سبب شده است تا این معلمان در فرایند آموزش از رویه‌های خلاقه و کارآمد به طور مؤثری بهره گرفته و نتایج درخشانی کسب نمایند. یافته‌های این پژوهش با نتایج بدست آمده در پژوهش محمد نژاد و همکاران (Mohammannejad et al, 2011)، رایلی و همکاران (Reilly, 2011)، هنریکسن و میشر (Henriksen and Mishra, 2013) و چان و یوئن (Chan and Yuen, 2014) همسو است.

۲. عوامل فرهنگی

نتایج پژوهش حاضر به تأثیر عوامل فرهنگی بر خلاقیت تدریس معلمان اشاره دارد که در این میان "توجه به تعارض محتوا با فرهنگ دانش آموزان" و "توجه به محدودیت‌های فرهنگی مناطق محروم" از اهمیت بالایی برخوردارند. از اینرو معلمان خلاق روستایی با توجه به تعارض برخی از برنامه آموزشی با فرهنگ مناطق مختلف به کاربردی نمودن مطالب و همسان سازی محتوا متناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموزان مناطق مختلف پرداخته‌اند. از طرف دیگر فقر فکری و علمی والدین مناطق محروم به ایجاد مشکلات روانشناختی مانند ترس و شرم در دانش‌آموزان منجر می‌شود که قدرت بیان کنجکاوی، پرسش و پاسخ و خود محوری را از دانش‌آموزان سلب می‌کند. در نتیجه معلمان خلاق هنگام مواجه با این چالش‌های تدریس در مدارس روستایی، به دنبال روش و شیوه جدیدی، متناسب با آن موقعیت بودند. نتیجه پژوهش حاضر با نتایج تحقیق هنریکسن و میشر (Henriksen and Mishra, 2013) همخوانی دارد.

۳. عوامل اداری

نتایج پژوهش در خصوص نقش عوامل اداری بر خلاقیت تدریس معلمان نشان داد که کمبود امکانات باعث شده تا معلمان با تلاش بیشتر برای کارایی و اثربخشی در تدریس و استفاده بهینه از حداقل

امکانات به روش و شیوه‌های جدیدی که بر اساس دو هدف قبلی پژوهش، یعنی عوامل فردی و فرهنگی که به نوعی در تکامل با هم هستند، در تدریس برسند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که محرک‌های اداری و محیطی که در خلاقیت معلمان تاثیر گذار هستند عبارتند از: مدیر مدرسه، همکاران و والدین. مدیر مدرسه با حمایت، پشتیبانی و تشویق معلمان خلاق و همچنین مشارکت در زمینه اجرا و کاربرد ایده‌های جدید در زمینه تدریس و یادگیری بر خلاقیت معلمان نقش مؤثر و به سزایی دارد. نتایج یافته‌ها با پژوهش آقامحمدی (Aghamohammadi, 2013)، هنریکسن و میشر (Henriksen and Mishra, 2013)، چان ویون (Chan and Yuen, 2014)، هورن و همکاران (Horng et al, 2005) هم خوانی دارد.

خلاقیت در تدریس عمدتاً به این امر دلالت دارد که یک معلم چگونه علاقه دانش‌آموزان به یادگیری را برمی‌انگیزاند (Chee et al, 2016). معلمان خلاق، ایده‌هایی را متناسب با نیازهای خاص برنامه درسی خود، خلق کرده و ارزیابی می‌کنند و همچنین خلاقیت را در میان دانش‌آموزان خود رشد می‌دهند. از اینرو اهمیت فراهم کردن بسترهای لازم برای بروز خلاقیت در امر تدریس و در تعامل با دانش‌آموزان آنچنان زیاد است که باید تلاش گردد تا هر معلم باید به یک حس از خلاقیت مجهز شود. بنابراین تحلیل ادراک معلمان در مورد معلمان و دانش‌آموزان خلاق بمنزله یک پیش‌نیاز ضروری برای تحقیق در مورد خلاقیت، ارزیابی و ارتقاء آن در محیط مدرسه تلقی می‌گردد (Morais and Azevedo, 2011). به همین دلیل در طول نیم قرن گذشته، علاقه به ایجاد خلاقیت از طریق آموزش و پرورش افزایش یافته است و هنوز هم یکی از موضوعات حیاتی در آموزش و پرورش است (Gozen, 2017). با این حال فراتر از تعاریف متعددی که از خلاقیت می‌شود، به عنوان یک نقطه مشترک که محققان بر آن اجماع دارند، خلاقیت بر ترکیبی از عوامل شناختی (پردازش اطلاعات)، روانی (صفات شخصیتی، جنبه‌های انگیزشی) و عوامل احساسی (حالت عاطفی، رفتار) دلالت دارد که به صورت پویا با محیط و خلاقیت در تعامل است و به ظرفیت پیچیده انسانی برای تولید ایده‌های جدید، واکنش‌های اصیل و مرتبط یا محصولات، تولید راه‌حل‌های جدید و بیان خود به شیوه‌ی منحصر به فرد اشاره می‌کند (Gozen, 2017; Abraham, 2016; Barbot, Besançon and Lubart, 2011; Runco & Jaeger, 2012).

بدیهی است که فرایند تدریس بدون تعامل و ارتباط، اثربخش نخواهد بود. تعامل به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های آموزش، مهارت‌آموزی و به طور کلی یادگیری مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تدریس تعاملی، یک تجربه و اقدام پداگوژیک بسیار مهم در فرایند تدریس است (Anggeraini, 2018). از نظر جان برجی (Cenberci, 2018) مهمترین موضوع سیستم آموزشی امروز، استفاده از خلاقیت است که بمنزله یک ویژگی بسیار مهم انسانی باید از زمان تولد فرد ایجاد، تقویت و پایدار نگهداشته شود. اذا همانگونه که تفکر خلاق در زمینه اهداف اقتصاد دانش نقش بسیار مهمی

ایفاء می‌کند، ضروری است که نظام آموزشی نیز تلاش کند تا بر بهبود این توانایی مهم و استراتژیک اهتمام کند و تحقق آن را در اولویت اهداف خود قرار دهد.

References

- Abraham, A. (2016). Gender and creativity: an overview of psychological and neuroscientific literature. *Brain Imaging and Behavior*, 10 (2), 609-618.
- Aghamohammadi, J. (2013). A Study of Relationship between Leadership Style of School Managers and Teachers' Creativity in Divandareh's Secondary Schools. *Journal of Educational Leadership and Management*, 7 (4), 9-21.
- Anggeraini, Y. (2018). Interactive Teaching: Activities and the Use of Technology in EFL Classroom. *Language Circle: Journal of Language and Literature*, 13(1), 78-83.
- Ayob, A., Hussain, A., and Abdul Majid, R. (2013). A Review of Research on Creative Teachers in Higher Education. *International Education Studies*, 6 (6), 7-14.
- Balkar, B. (2015). The Relationships between Organizational Climate, Innovative Behavior and Job Performance of Teachers. *International Online Journal of Educational Sciences*, 7 (2), 81-92.
- Barbot, B., Besançon, M., and Lubart, T. I. (2011). Assessing creativity in the classroom. *The Open Education Journal*, 4 (1), 58-66.
- Basrawi, I., F. (2012). "Effect of emotional intelligence and intrinsic motivation on the innovative behavior of elementary school teachers,..". Unpublished PhD Dissertation, Airlangga University.
- Cenberci, S. (2018). The Investigation of the Creative Thinking Tendency of Prospective Mathematics Teachers in Terms of Different Variables. *Journal of Education and Training Studies*, 6 (9), 78-85.
- Chan, S., and Yuen, M. (2014). Personal and environmental factors affecting teachers' creativity-fostering practices in Hong Kong. *Thinking Skills and Creativity*, 12 (1), 69-77.
- Charbashlu, H., Aliasgari, M., Gholami, K., and Mosapour, N. (2019). The Identification of Content and Source of Practical Knowledge of Experienced Teachers of Elementary School: Implications for The Educating of Primary Teachers in The Teacher Education System. *Journal of Curriculum Research*, 8(2), 1-27.
- Chee, K. N., Yahaya, N., Ibrahim, N. H., and Hasan, M. N. (2016). Connections between Creative Teacher and Their Creativity in Teaching. *Malaysian Journal of Higher Order Thinking Skills in Education (MJHOTS)*, 3, 1-26.
- Cheung, H. P. R., and Leung, C. H. (2014). Preschool teachers' perceptions of creative personality important for fostering creativity: Hong Kong perspective. *Thinking Skill Creativity*, 12 (1), 78-89.
- Cremin, T., & Oliver, L. (2017). Teachers as writers: A systematic review. *Research Papers in Education*, 32 (3), 269-295.
- Danaeifard, H., and Kazemi, H. (2011). *Interpretive Research in Organization: Phenomenological and phenomenographic Strategies*. Tehran: University of Imam Saddegh Press.
- De Jong, J. (2007). "Individual innovation: the connection between leadership and employee's innovative work behavior,..". Unpublished PhD Dissertation, Faculty of Economics and Business, University of Amsterdam.

- Dewey, J. (1916). *Democracy and Education*. The Macmillan Company.
- Emami Sigaroodi, A., Dehghan Nayeri, N., Rahnavard, Z., and Nori Saeed, A. (2012). Qualitative research methodology: phenomenology. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 22 (68), 56-63.
- Etikariena, A., and Muluk, H. (2014). *Correlation between Organizational Memory and Innovative Behavior*. *Hubs-Asia*, 18(2), 77-88.
- Fitriah, F. (2018). The Role of Technology in Teachers' Creativity Development in English Teaching Practices. *TEFLIN Journal*, 29 (20), 177-193.
- Gall, M. D., Borg, W. R., and Gall, J. P. (1996). *Educational research: An introduction* (6th Ed.). White Plains, NY: Longman.
- Ghasemifard, Gh., Ghasemifard, A., Ebrahimikharkeshi, S., and Babaei, F. (2017). Criticizing and Reviewing Brain Storming Technique in Teaching and Learning Process. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 3 (1), 201-216.
- Gibson, R. (2010). The art of creative teaching: implications for higher education. *Teaching in Higher Education*, 15 (5), 607-613.
- Goss, P., Sonnemann, J., and Griffiths, K. (2017). *Engaging students: creating classrooms that improve learning*. Melbourne: Grattan Institute.
- Gozen, G. (2017). Being Creative for Teaching Creativity: Teachers' and Instructors' Self-Assessments Regarding Creativity. *Journal of Faculty of Educational Sciences*, 50 (2), 225-253.
- Henriksen, D., and Mishra, P. (2013). Learning from creative teachers. *Educational Leadership*, 70 (5), 1-4.
- Hornig, J. S., Hong, J. C., Chanlin, L. J., Chang, S. H., and Chu, H. C. (2005). Creative teachers and creative teaching strategies. *International Journal of Consumer Studies*, 29, 352-358.
- Ismail, N., Desa, S., and Balakrishnan, B. (2018). Science Creative Teaching Design for Science Teachers. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8 (4), 1235-1241.
- Izzati, U, A, (2017) The Relationships between Vocational High School Teachers' Organizational Climate and Innovative Behavior. *1st International Conference on Education Innovation (ICEI 2017)*.
- Jebeliadeh, P., and Sobhani, A. (2012). The Impact of Creative Teaching Methods on the Fourth Grade Students in Golestan Primary Schools in 2011-2012 Academic Year. *Journal Innovation and Creativity in Humanities*, 2 (2), 147-166.
- Lapeniene, D., and Dumciene, A. (2014). Teachers' Creativity: Different Approaches and Similar Results. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 279-284.
- Lmurzayeva, B., Shunkeyeva, O., Naurzalina, D., Zhaitapova, A. Satubaldina, K., and Tulegenova, S. (2016). Functioning of basic school as effective way of socialization of rural school children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 217, 208-213.
- McLoughlin, C., and Lee, M. J. W. (2008). The three p's of pedagogy for the networked society: personalization, participation, and productivity. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 20 (1), 10-27.
- Mohammadnejad, A., Kohnehpooshi, S. M., and Hosseini, M. (2013). Teacher literacy research and its role in promoting the quality of science education. *Journal of Curriculum Studies*, 8 (29), 113-134.
- Mohebiamin, S., Jafari Suni, H., Saeedy Rezvani, M., and Amin Yazdi, A. (2013). Creative Teaching in Mashhad University of Medical Sciences: Students'

- Viewpoints in School of Nursing and Midwifery. *Iranian Journal of Medical Education*, 13(6), 509-518.
- Morais, M. F., and Azevedo, I. (2011). What is a Creative Teacher and What is a Creative Pupil? Perceptions of Teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 12, 330-339.
- Morris, S. S., Snell, S. A., and Wright, P. M. (2006). *A resource-based view of international human resources: Toward a framework of integrative and creative capabilities*. Ithaca, NY: Cornell University, School of Industrial and Labor Relations, Center for Advanced Human Resource Studies.
- Palaniappan, A. K. (2009). Creative teaching and its assessment. Paper presented at the 12th UNESCO-APEID International Conference with the theme "Quality Innovations for Teaching and Learning" on 24 -26 March 2009 held at Impact Exhibition and Convention Center, Bangkok, Thailand.
- Patterson, F., Kerrin, M., and Gatto-Roissard, G. (2009). *Characteristics and Behaviors of Innovative People in Organizations*. London: City University Press.
- Pishghadam, R., Ghorbani Nejad, T., and Shayesteh, S. (2012). Creativity and its Relationship with Teacher Success. *BELT Journal*, 3 (2), 204-216.
- Reilly, R. C., Lilly, F., Bramwell, G., and Kronish, N. (2011). A synthesis of research concerning creative teachers in a Canadian context. *Teaching and Teacher Education*, 27 (3), 533-542
- Rejskind, F. G. (2000). TAG Teachers: Only the creative need apply. *ROEPER REVIEW*, 22 (3), 153-157.
- Rinkevich, J. L. (2011). Creative teaching: Why it matters and where to begin. *Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*, 84 (5), 219-223.
- Robinson, K. (2006). How schools kill creativity (online video). *TED Conference 2006*. Monterey, Calif. www.ted.com/talks/ken_robinson_says_scholos_kill_creativity (Accessed 15 February 2019).
- Runco, M. A., and Jaeger, G. J. (2012). The standard definition of creativity. *Creativity Research Journal*, 24 (1), 92-96.
- Saavedra, A., and Opfer, V. (2012). *Teaching and Learning 21st Century Skills: Lessons from the Learning Sciences*. New York: Asia Society.
- Samkhanian, M. B. (2005). *Creativity and Innovation in Educational Organization*. Tehran: Resanehe Takhasosi Publications.
- Sarmad, Z., Bazargan, A., and Hejazi, E. (2015). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran: Agah Publications.
- Sawyer, R. K. (2006). Educating for innovation. *Thinking Skills and Creativity*, 1, 41-48.
- Scott, C. L. (2015). *The Futures of Learning 3: What Kind of Pedagogies for the 21st Century?* Paris: Unesco.
- Thompson, S., Greer, J. G., and Greer, B. B. (2004). Highly qualified for successful teaching: Characteristics every teacher should possess. *Essays in Education*, 10, 1-9.
- Xiaoqian, W. (2018). Analysis on the Incentive Mechanism of University Teachers' Management. *8th International Conference on Management, Education and Information (MEICI 2018)*.
- Yu, C. X., and Subramaniam, G. (2017). A Mentoring Approach for Developing Creativity in Teaching. *Malaysian Journal of ELT Research*, 14 (2), 1-19.
- Zahavi, D. (2003). *Husserl's Phenomenology*. Stanford: Stanford University Press.